

نگاه  
تحلیلی

محمود شوری معاون مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس):

ادعای صلح طلبی الهام علی اف  
فقط يك زشت سیاسی است

اتحاد علیه دشمن مشترک

انگیزه‌های زیادی وجود دارد که روسیه و ایران را متحدان رسمی بدانیم. بهرمان دو کشور به هم اطمینان ندارند، در بازارهای انرژی با هم رقابت می‌کنند و ایدئولوژی انقلابی شیعی ایران چندان با محافظه‌کاری روسیه سازگار نیست. اما وقتی نوبت به مسائل نظامی می‌رسد، دو کشور بیش از پیش به هم نزدیک می‌شوند و در تقابل با ایالات متحده آمریکا با هم متحد هستند. در حال حاضر مسکو نقش محدودی در منازعه تهران و واشنگتن در خاورمیانه بازی می‌کند. اما کرملین خودش را قانع کرده‌است که آمریکا از اوکراین برای جنگ نیابتی با روسیه استفاده می‌کند. به همین دلیل روسیه به این باور رسیده‌است که حق دارد از هر فرصتی برای آغاز یک جنگ نیابتی با آمریکا در هر جای جهان، از جمله خاورمیانه استفاده کند. ممکن است روسیه به‌زودی شاهد واردات پهپادهای تهاجمی باشد. ۱۰۱ ایران هم باشد. هرچند شاهد-۱۰۱ از مدل‌های قبلی کوچکتر است و سر جنگی کوچکتری را حمل می‌کند، اما برد آن ۶۰۰ کیلومتر است و اندازه کوچکتر آنها باعث می‌شود که به سختی قابل رهگیری و سرنگونی باشند. شاهد-۱۰۱ را به‌سادگی می‌توان جابه‌جا کرد و بدون اینکه توجهی را جلب کند، پرتاب کرد. همزمان با تهاجم اسرائیل به غزه، تعداد زیادی از حملات توسط گروه‌های تحت حمایت ایران به اهداف آمریکایی در عراق و سوریه رخ داد. این حملات در گذشته عمدتاً با راکت‌های بدوی انجام می‌شد، اما حالا بسیاری از این حملات با شاهد-۱۰۱ انجام می‌شود. روز ۲۸ ژانویه وقتی یک پهپاد شاهد-۱۰۱ به پایگاه آمریکایی در مرز اردن و سوریه برخورد کرد، ۳ سرباز آمریکایی کشته و بیش از ۳۰ نفر دیگر مجروح شدند. آمریکا انتقام این حمله را با حمله به گروه‌های تحت حمایت ایران در عراق و سوریه گرفت. اما شاهد-۱۰۱ نشان داد که می‌تواند از سامانه‌های پدافند هوایی آمریکایی عبور کند. گزارش‌های رسانه‌ای حاکی از این است که روسیه چند هزار شاهد-۱۰۱ و نمونه پیشرفته‌تر شاهد-۱۰۷ سفارش داده‌است. در حالی که گروه‌های منتسب به ایران در هر حمله حداکثر از دو شاهد-۱۰۱ به صورت همزمان استفاده کرده‌اند، ارتش روسیه می‌تواند به صورت همزمان تعداد زیادی از این پهپادها را به اوکراین بفرستد که باعث می‌شود این سلاح‌ها تست و اصلاح شوند. اینها نشان می‌دهد که تا چه اندازه منازعه در اوکراین و خاورمیانه بیش از پیش در هم تنیده می‌شوند و فناوری‌های نظامی در دو جهت به اشتراک گذاشته می‌شود. حماس همین حالا هم با استفاده از کودا کوپترها تانک‌های اسرائیلی را هدف قرار می‌دهد، تاکتیکی که توسط سربازان اوکراینی و روس به کار گرفته می‌شود. روسیه هم موافقت کرده‌است که به توسعه ظرفیت هوایی ایران از طریق فروش جنگنده و هلی‌کوپتر کمک کند. پهپادهای ایرانی که در خاورمیانه نشان داده‌اند چگونه می‌توانند از بند پدافند آمریکا عبور کنند، در اوکراین هم علیه سامانه‌های آمریکایی تست خواهند شد. به همین دلیل است که اسرائیل عجله‌ای ندارد تا سامانه گنبد آهنین خود را در اختیار اوکراین قرار دهد، چراکه ایران در حال بررسی است که عملکرد پهپادهایش در جنگ اوکراین چگونه است و از این طریق نقاط ضعف سامانه‌های دفاعی را کشف می‌کند. مسکو و تهران باور دارند که واشنگتن دشمن مشترک آنهاست. مقام‌های روس بارها ادعا کرده‌اند نیروهای آنها در اوکراین با نیروهای آمریکایی می‌جنگند در حالی که در ایران شعار «مرگ بر آمریکا» برای دهه‌ها بخشی از ایدئولوژی رسمی کشور بوده‌است. براساس منطق ایران، اسرائیل یک پایگاه خارجی ایالات متحده آمریکاست. در حال حاضر شهرمیرا محل همکاری روسیه و ایران در خاورمیانه از نظر آمریکا، سوریه است. در حالی که گروه‌های هوادار ایران به اهداف آمریکایی حمله می‌کنند، جت‌های جنگنده روسی تجهیزات هوایی آمریکا را از آزار می‌دهند و مانورهای خطرناکی علیه جنگنده‌ها و پهپادهای آمریکایی انجام می‌دهند. زمینه‌های بالقوه توسعه همکاری بسیار زیاد است. غالباً اصل اساسی سیاست خارجی روسیه این است که «هر کاری روسیه می‌تواند بکند، ما هم می‌توانیم بکنیم». در حال حاضر جنگ علیه ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه بدون دخالت مستقیم روسیه ادامه دارد. تاکنون شاهد بودیم که گروه‌های تحت حمایت ایران حجم زیادی از سلاح‌های ساخت روسیه دریافت کنند. اما اگر جنگ اوکراین دچار سنگین شود و از شدت آن کاسته شود، احتمال افزایش دخالت روسیه در خاورمیانه بیشتر می‌شود. صنعت روس به رشد دفاعی روسیه و تعداد بسیار زیاد نیروهای روسی با تجربه میدانی می‌تواند به‌سادگی به خاورمیانه منتقل شود. نیروهای هوادار ایران قطعاً برای استمرار مبارزه با «استعمار نوین آمریکایی» از نیروها و سلاح‌های روس استقبال می‌کنند.

شهاب شهسواری  
خبرنگار گروه دیپلماسی

بیش از سه سال پس از پایان جنگ دوم قره‌باغ که با پیروزی قاطع جمهوری آذربایجان به پایان رسید، مذاکرات میان باکو و ایروان برای رسیدن به یک پیمان صلح با میانجیگری طرف‌های مختلف ادامه دارد. دولت جمهوری آذربایجان ادعا می‌کند که آماده امضای یک پیمان صلح برای پایان دادن به جنگ سه‌دهه‌ای در قفقاز جنوبی است، اما بعد از سه سال مذاکره، از جمله تازه‌ترین نشست سران ارمنستان و آذربایجان به میزبانی صدراعظم آلمان در حاشیه نشست مونیخ، هنوز هیچ گام جدی در راستای امضای یک توافق صلح برداشته نشده‌است. محمود شوری، معاون مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) و کارشناس ارشد مسائل اوراسیا معتقد است که ادعای رئیس‌جمهور آذربایجان در مورد آمادگی برای صلح با ارمنستان تنها یک زشت سیاسی و تبلیغاتی است و جمهوری آذربایجان تا زمانی که کریدور ترانزیتی مدنظر خود را در خاک ارمنستان ایجاد نکند، برای امضای یک پیمان صلح آمادگی ندارد. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با محمود شوری، معاون مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) مطالعه می‌کنید.

از نوامبر ۲۰۲۰ که جنگ دوم قره‌باغ پایان یافت، الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان بارها اعلام کرده که برای انعقاد پیمان صلح با ارمنستان آمادگی دارد. با توجه به اینکه بیش از سه سال از پایان جنگ دوم می‌گذرد، فکر می‌کنید باکو تا چه اندازه در این ادعای خود جدی باشد؟

جمهوری آذربایجان بیشتر زشت آمادگی توافق با ارمنستان را می‌گیرد. به نظر ارمنستان در یک سال گذشته هر کاری کرده و اعلام آمادگی کرده‌است تا هر امتیازی بدهد که به یک پیمان صلح با جمهوری آذربایجان برسد. در مقاطع مختلف مذاکراتی با مشارکت میانجی‌های بین‌المللی انجام شده‌است. به‌رغم مشارکت قدرت‌های خارجی در این مذاکرات ما شاهد بودیم که آذربایجان حتی در برخی موارد به بهانه‌های مختلف از حضور در مذاکرات سر باز زده‌است. برداشت من این است که مسئله و هدف اصلی جمهوری آذربایجان ایجاد کریدور زنگزور است و با صبر و شکیبایی بیشتری در حال زمینه‌سازی برای ایجاد این کریدور است. اینکه حرف از توافق صلح زده می‌شود، اساساً یک زشت سیاسی و تبلیغاتی است. مادامی که جمهوری آذربایجان به هدف



EPA، عکس

روسیه شریکی است که خیلی نمی‌توان روی توانایی‌هایش حساب کرد. در این چارچوب است که می‌توان تمایل ایروان برای ایجاد روابط نظامی نزدیکتر با واشنگتن، پاریس، دهلی‌نو و تفلیس را درک کرد. در میان این کشورها البته گرجستان گزینه چندان مناسبی برای ارمنستان نیست. تفلیس آسیب‌پذیری زیادی در مقابل روسیه دارد و کیفیت روابطش با ترکیه و آذربایجان نیز موجب می‌شود که تمایلی نداشته باشد به سمت ارمنستان بچرخد. هند نیز کشوری است که در حال تبدیل شدن به یک بازیگر قدرتمند جهانی است اما همچنان در تلاش است تا بیشتر توجه خود را به داخل معطوف کند و بنابراین نخواهد توانست آنطور که ارمنستان انتظار دارد کمک‌حال این کشور باشد.

بنابراین، تنها آمریکا و فرانسه به‌عنوان تضمین‌های امنیتی ارمنستان در این فهرست باقی می‌مانند و این امر موجبات خشم آذربایجان را فراهم کرده‌است. با این حال اگر از منظر عملگراییانه به ماجرا بنگریم باید گفت که واشنگتن و فرانسه هم چندان تمایل ندارند واقمیت‌های جدید رخ داده در قفقاز را نادیده بگیرند و صرفاً به‌عنوان متحدان ایروان وارد عمل شوند. در حالی که روسیه در حال کسب دست برتر در اوکراین است و با توجه به اینکه اروپا به‌شدت درباره امنیت خود دچار نگرانی شده، بنابراین غرب انگیزه‌های قدرتمندی برای تضعیف روسیه در جناح جنوبی‌اش دارد.

ایالات متحده، فرانسه و سایر کشورهای اروپایی برای استفاده فرصتی که به دلیل کاهش نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی ایجاد شده، چاره‌ای ندارند جز اینکه راه حل صلحی را میان آذربایجان و ارمنستان به سرانجام برسانند. غرب در این خصوص حتی به ترکیه نیز اعتماد ندارد؛ حتی اگر ترکیه به تنهایی قادر به میانجیگری در چنین توافقی باشد، باز هم به نفع غرب نیست که منطقه را به ترکیه‌ای بسپارد که به‌طور فزاینده‌ای مایل است در جهت تأمین منافع ملی خود در دریای سیاه و دریای خزر، دست به اقدامات یک‌جانبه به سبک اردوغان بزند. بنابراین ایالات متحده و اروپا مجبورند ضمن توجه به احساس نیاز ضروری آذربایجان برای تحکیم و تثبیت دستاوردهایش در جنگ شهریور گذشته، تقویت تبادلات انرژی‌اش و تثبیت موقعیت خود به‌عنوان یک کشور ترانزیتی که در مسیر ترانزیت ترانس‌خزر

چرا آمریکا و اروپا به دنبال معماری امنیتی جدیدی در قفقاز جنوبی هستند؟

## قفقاز جنوبی عامل بی‌ثباتی هارتلمند

آذربایجان در اختیار داشت اما پس از پیروزی آذربایجان در سال ۲۰۲۰ در یک جنگ کوتاه بر سر منطقه مورد مناقشه قره‌باغ کوهستانی، این وضعیت شروع به تغییر کرد. نیروهای باکو تسلط خود را بر قره‌باغ کوهستانی در شش‌هفته گذشته، با یک حمله برق‌آسا تکمیل کردند که این پیروزی منجر به فرار جمعیت ارمنی‌ها از منطقه شد. گلایه‌ها و انتقادهای پاشینیان از روسیه از آن زمان افزایش یافته‌است. دولت ایروان که تا مدت‌ها سرزمین‌هایی در عمق خاک آذربایجان را در اختیار خود داشت، اکنون تمامیت ارضی خود را در معرض تهدید باکو می‌بیند.

اکنون نگرانی‌ها بیشتر درباره منطقه نخجوان آذربایجان است که بین ارمنستان و ایران قرار دارد و مرز کوچکی نیز با ترکیه که متحد آذربایجان است، دارد. باکو پس از بازپس‌گیری سرزمین‌هایی که در جنگ سال ۱۹۹۴ با ارمنستان که مدت کوتاهی پس از اعلام استقلال هر دو کشور از اتحاد جماهیر شوروی در گرفت، از دست داد، اکنون می‌خواهد با نخجوان ارتباط فیزیکی برقرار کند. آذربایجان امیدوار است که از طریق احداث کریدور زنگزور به این هدف دست یابد. این کریدور مسیری تقریباً ۴۰ کیلومتری است که از طریق جنوب ارمنستان، در امتداد مرز با ایران به ترکیه می‌رسد. ارمنستان بیم دارد که آذربایجان در نهایت بخواهد با تجاوز به استان سیونیک در جنوب ارمنستان، ارتباط بین سرزمین اصلی خود و نخجوان را برقرار کند.

در چنین سناریویی، ارمنستان بین آذربایجان و ترکیه در مگنه قرار می‌گیرد و از هرگونه ارتباط مستقیم فیزیکی با ایران، که متحد ایروان محسوب می‌شود، محروم خواهد شد. شرایط داخلی در ایران و همچنین تنش‌های فزاینده میان تهران و واشنگتن موجب شده که ارمنستان به این نتیجه برسد که ایران حتی در مقایسه با

پیروزی قاطع نظامی جمهوری آذربایجان بر ارمنستان در شهریورماه گذشته و در جریان جنگ قره‌باغ، به‌طور حتم توازن قوا در منطقه را برای همیشه تغییر داده‌است. اما اگر چه آذربایجان توانست در آن جنگ تنها تهدید نظامی قابل توجه علیه خود را از بین ببرد اما اکنون با چالش عظیم امضای معاهده صلح با رقیب تاریخی خود مواجه شده‌است. بدون امضای چنین معاهده‌ای، آذربایجان نمی‌تواند از مزایای ژئواکونومیک دستاوردهای سرزمینی خود در آن جنگ بهره‌برند. در سطح وسیع‌تر، گلوگاه استراتژیک در قفقاز جنوبی مانعی اساسی برای ایجاد ارتباط اقتصادی و حمل‌ونقل بین غرب و قلب اوراسیا است. نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان در حدود سه هفته قبل اعلام کرد که ارمنستان بارها و بارها از سوی روسیه ناامید شده، ایروان دیگر نمی‌تواند برای نیازهای امنیتی خود به روسیه تکیه کند. پاشینیان در گفت‌وگو با رادیو و تلویزیون دولتی ارمنستان درباره اصلاحات نظامی سخت، بر ضرورت تقویت روابط امنیتی با ایالات متحده، فرانسه، هند و گرجستان تأکید کرد. او همچنین از یک استراتژی جدید امنیت ملی سخن گفت و این سوال را مطرح کرد که آیا ایروان باید در سازمان پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه باقی بماند یا خیر.

حدود سی سال بود که ارمنستان دست برتر را در رقابت با

آرمن منتظری  
دبیر گروه بین‌المللنگاه  
هم‌میهن